

موزه معاصر
اداره مرکزی جیل المکتین
کلکته حضرت پور و دودنبره ۱۵۱۲
کارهای مختلفه اداره با ویدئو بر ملا لک
روزه اسلام (معلمین و دبستان
و نهانی از اداره آقا محمد باقر
در دست بیع و خرید و غیره
در شبکه ۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲
سابق ۶ ماه مارچ ۱۹۹۹

سال ششم
شماره سیصد و نهم

جیل المکتین

(بدون نموده نام هدی فرستاده باشد)

مکتبه یکصد و نود و سه
قیمت مع اجرت لیانه و غیره
بسته دین بر سر قمار و غیره
ایران و افغانستان - ۲۰۰
اروپا و چین - ۱۲۰ - ۱۰۰
مالک فضائی - ۱۰۰ - ۱۰۰
مالک روسیه - ۱۰۰ - ۱۰۰
یکه سوره سوره
ایران یقینان - مالک عام یک

حیض و علقه و فاسیاسنا - و بخت است معقوب و برین از از عید ششما است

درین از هر نه م سحی می شود و عام ادا و در صورت صابن

(ملکرات خاجه)

پانزدهم سوال تسلسل از لندن برمیگردد ازین خبر
توسیع راه آهن دولت انگلین و اعتبار اینکه دولت
چین حاصل نموده و بر پایه کلی که درین کار که از نظر
است (چنانکه در راه آهن شمال چین در افکت
نموده و مدوات قبی با اطمینان دارد و سزاوار تمام
و ازگون نماید چنانچه مستر پروین که بر اجاب
و درین کار بود و پیش نموده و این امر ملت بر باوی
دولت انگلیس درین راه میسر نشده سگلا و کد اول
سفر انگلیس برین کار و روالی اقتراض نموده وزارت
چین ابدان قبول کرده
امسبارس میزید که اقتراض سفر دولت انگلیس را
دولت چین خواه مخواه مجبور است قبول نماید چه عمار
امالی انگلستان را حق مطالبه حرکت در انتخابات
و مسافرت عمار و غیره از دولت چین مسترد و تبدیل ده
دولت انگلیس از راه باز داد خود درین راه صرف کرده
بدون اجازه دولت انگلیس برین امر دولت چین
اقتیار تبدیل و تغییر نیست
در انگلستان ابر چند نفر نمایای آلمان بی حقی
و ملکه بر آمده است
شازدهم سوال تسلسل از لندن پای و دست
بیمارستبری پیش پای نود سال از عمرش گذشته قائم مقام

هستوزمین نیست که پرده گوید مکن است
که اسباب فساد بزرگی شود
پادشاه ایتالیا اظهار داشته که اگر امپراطور روس در
مجلس اعظم امن عمومی پاپ را دعوت کند پادشاه ایتالیا
برگ انگلیس را نخواهد گفت
در پارلمان لندن من باب محال (ادکنده)
افریقا بحث شده که حالات آنقدر پیچیدگی ملاحظه
نمیت بر چارلس کنگ رای داده که باید مصارف
صرف خزیرزی امضه بدیند و تخفیف کرد - مستر براد
اعضار دولت که میسر میاید نیست زنده فترت
حاصل می شود و ادکنده متعطل بودن و در تحت نظر
خواه گرفت
نامسکارلس از بیکن الموضع داده که سفر روس اقراض
تازه نموده است این اقتراض بر شرایط توسیع راه آهن
نیویورک است روس میگوید که این شرایط باعث خرابی
و بر سهزدن شرایط و معاہدات روس با چین است
رابطه باستان راه آهن نیویورک با امالی انگلستان جمع
آوری نموده اند سفر روس بر دولت چین از تمام
ممکنه شده
من باب بی اعتباری که در مجلس چین بر نمایای آلمان
شده چهار جنگی آلمان از منیلا را و از چین شده تصحیح
ناید می گوید تازه قضایه

پارلمان آلمان رپورت بسیار خوبی وزارت خارجه
داوود متفق نموده است من باب بی اعتباری که در مجلس
آلمان ششزاین است منی قوت مونت نه اینکه ملک
خودش فارجه توی سری باور بدیمورا اظهار فرقی
و همیشه نماید) ای بی زیر مارجه آلمان اظهار داشته
که اگر برای واقعی درین مورد بچین و چینیان داده نموده
آینده زیاده برینهارا ادگب خواهند شد و صورت
متعدد اصلی آلمان توسعه استوارت خود است و چین
با این بسیار باید دید که بر تازه قضایه شود
هفتم سوال آلمین دو عالمی انگلستان را فینال بر است
که هر قدر آتش خدمت ملاحظت که انگلستان پیش نموده
قانونی است و ادوار که پارلمان دولتی و قبی ما اختیار
تقدفات در کلیسای انگلستان بشما معلوم است که
بر و در قبول نخواهد رسید
دو بیست نفر از چینایان جمعیت نموده در (لوگنفا
و راه آهن (چکن منگ) را فاب کرده و بسیاری از آلات
و اسباب و راه برده اند
در بدون سولوا در پارلمان من باب استیفا و انگلیس
مطلق راه و اظهار داشته است که این کار در خط سلف
آیند نیایج عالی نخواهد شد
بهار تجارتی (برین دنیا) یکصد و هفتاد و چهار برنده طلا
بجست هستند محل نموده روانه شده است

سده طین پشا از قید محکمی روانی نجات یافته
 بودند و بیستون گفت که باعث برادری سودان
 پنهان شده اند و عمارت (دختر) با ملک ملک
 نما صرف و نذوبان این شده
 سرکاد که از بیضا انگلیس و پکن سیاحت که دفع از
 بی نظمی را از دوبرین و بیس خط آهن شمالی منبایه
 در راه راه ای بر کس قانونی انصافه که در راه
 هم مراعات دولت را چون اصل را در اول فراموش
 (یعنی آن حقوق که در حق دول مسلمانه ذرگ است
 در حق دین اسلام کرده)

همچنین شوال ۱۳۱۶ از گذرن دولت فرانسه
 که تمام دروازه های آن حساب ریاست بیست و سه
 وانی بگوشه اند که قرار نماید بسیاری از شاهزادگان
 در حال بزرگ فرانسه درین شرارت حصه گرفته اند
 فرانسه اگر زیاده همه را که ممکنست بلوای کرده
 از اول شود

سره و هم نایب وزارت جنگ دولت انگلیس
 نمودن رویه و مسیح و فرج قشون انگلیس در انگلیس
 نمی انگلیس از راه آفریقا مایه چینه سرورده
 انگلیس که مایه شده اند پس هم ملت باید بداند
 شکایت که تازه روی داده است و نمالی روی
 دولت آنها را زیاده زیر بار مصارف می نماید پس
 ذکر کرد که قشونیکه مادر استمرات فار و از خود داریم
 و در آن دی نای می هم شامل است صرف (۱۳۱۹۹۱)

نفرها شده
 دولت انگلیس مصمم است که قشون مصری نیز بفرستد
 ادرمان و مقابله مصدر خدمات شده اند و این
 بخشه درین نکته که قشون مصر هم شامل کرده اند
 عالی از پولیک نیست باید دید که دولت عثمانی
 خسته برسانند بر نوبان

سره براد یک نایب وزارت خارجه انگلیس در راه
 ملی هم شده است که اعتراضات روسین با انگلیس
 است که راه این نیز جنگ از دولت انگلیس است
 چینی مسیور بوده (دین صورت کو با اعتراض دولت روس
 با انگلیس است سر برین)

۱۹ شهریور ۱۳۱۶ وقایع خارطس از پکن
 میزد که دولت ایتالیا از بین خواستش حق خود
 نموده میگوید همیشه بره که تمام جنوب دولت
 دبی یک تاک است به دولت شایر الیها مین و اگر
 نماید و اختیار کشیدن را آهنگار کردن در میان این
 بدون شتران که در کوهی پس اگر بارو کند

انسان پس یکی از منوات خود میگوید که حق
 نایب است اما سر کرده است که سر انگلیس
 خیالات دولت ایتالیا با اداره خارجه
 هم مخصوص نایب میکند در حمایت ایتالیا اخبار
 میگوید که قبل از وقت فرصت باید تا رک کرده
 و خصیسی پاره پاره شدن چنین نزدیک سیده
 است (بر مردان با سیاست کلمات اشانتا
 این طرس میگویند پیشه نیست
 چنان گمان می رود که دولت انگلیس حقوق دولت
 ایتالیا را در هیچ وجه دست نزن می صوبه دبی یک تاک
 اصفا و شنه و اورا حق تصور کرده است

نیم شهریور ۱۳۱۶ از گذرن دولت فرانسه
 عتسه ایسانه دولتین انگلیس و فرانسه و حقوق فرانسه
 و انگلیس در میان مساویست اما دولت انگلیس خیالات
 که فرانسه بندگی بجهت انبار انفال در مصلحت عالی
 ولی این شر و که بیستون اعتراف میدهد که صرف
 حق نمایند این مراعات دولت انگلیس از فرانسه است
 از خوف نباشد لایه افزاندا طرف دیگر باغ بری باد
 نموده آه بر صورتش با فرانسه در صلح فارسی
 نو پدید است که درین میان بر برخواورد است

نایب وزارت جنگ انگلیس از برای این نیست که
 جلا فرج سودان را جزو کس قشونیکه در آن
 زار بوده نه نمایند من باب جنگ سده می هم این
 داده بود ولی اکنون بخت شده

قرن غالب است که در پیش دولت ایتالیا این صلح
 دسانمون (دولت چین قبول نماید سیاه و ان چنان
 گمان نموده اند که ایتالیا را دولت انگلیس بر گزیند
 و این دعوی با دولت است با این سیاه و این
 نماید (اگر گویم که سیاه و ان در خیال جواب ندانید)

دور از خواب بایم پرسند انات مس لادن نماز خیالات
 دولت انگلیس در باره همین ظاهر شده
 بیست یکم شوال ۱۳۱۶ از گذرن حکم خیالات
 محسوسه پارس فرار برین داده اند که زبان بندی در کل
 یکارت اول و دیگر که دیوانی شود من باب آرام بر
 دیوانی از آن بعد که حکم دین باب یک نوشته است
 که لازم بود منی داد و در فاش نموده و از نمایند
 جنرال بر سر سادوت انگلیس ان میا به سلطون است
 کو تیار قبول کرده است

انسان در لی که افک میگوید که سرکاد که از بیضا
 در پکن مسه عظم مین (دی شکل مین) ایستادن داده
 یا بیخ نمودن با راه آهن کوچک به نایب و اعانه
 برای دولت انگلیس خواهد بود
 (تاسف)

زود محترمه فرایب پادشاه ایران پدید می
 که از چندی میل بود پرتو ایمن فانی را دروغ گفت این
 بر خواب پادشاه و نیز بر فرزند از چندین
 خیلی از که تمام دولتان فرایب و متاثر شده اداره
 نیز که از دوستان ایشان است کمال تاسف دارد

(بمبئی)
 پسند در مصلحت منی در کمال روح آینه چندم
 که مطابق بیست یکم شوال آنگاه بعد چهاردهت
 بطلمون و یکصد و چهل یک نفر اغافات او بوده تمام
 بیست و دو روز که رسید و سه نفر بوده اوقات من
 از دست نمود و عدالت بر شهادت حاضر شده بود در
 شهادت میداد اما بطلمون در او نمودار شده تا در
 رسانند جان تسلیم نموده بود و در این عقاب
 قسم میبند که بر نبه گانش رسم فرموده این شخص
 دو فریاد (امید داریم در محاکمه قضیه کما حق
 کالکتا)

سعد الله زور که در کلکته از با طلمون مس
 خیلی کیانند باقی هم شته ایم خیال و کلکته
 برای کلکته چند روز پیشی گرم شده بود و نهفت
 حقیقی شده این ایام ادکی باز شکسته است البته
 ایام تب و تاب و خنده کلکته خیلی نمودار اولی
 عیاش میر است

(مکتوب)

معاظت سوادان بقدری شور بود که مان هم نصیب
 بی رحمی بی تهنیدی که امروز شایسته ظل تمدن نیست
 از قشون فاتح سوادان برود که در است سواد و هم
 جبل المبین درین عنوان بحث نمود که کم آن عنوان است
 چه آفتابی میشود و فریاد اخبارات تلوی لادن بر شایسته
 و در پارلمان انگلستان موضوع بحث است ستر
 آنست که شخصی است که در شور و خروش نموده است
 آن است که بعد از معرکه در آن است که یکی از
 در حق مکتوب و مین سلوک شده یعنی بعد از آنکه
 نغمه در میدان جنگ از سواد اینها کشیده
 تحسیر از خون جاری گشته بود بدون آنکه نقصان
 فاشی بطرف غالب وارد آمد و مین بقتل رسانید
 رعایا را فارت کرد و حتی آنکه سواد روز قشون را در انداخت
 اجازت فارت شد و با داد و فریادی خود آنچه در
 دشان آنکه گردن و جنوعی که در دکان از دوش فارت
 است اینها قتل که در میدان شده اینگونه کلمات تسلیم
 و شایسته که در پارا اسباب شرمندگیست - در دوش
 سواد کل فاتح سوادان تمام این الزامات را ترویج کرد
 اصحاب دانسته است - ولی اقبال شربادریک که
 ایستادارت فاربه انگلستان است که پس از فتح
 قهر محمدی سوادانی را بخش کرده لاشل او را بیرون
 آورده دلیل نموده سواد را جدا کرده یکی از آقا رفیع
 کارون سپردن و باقی بخش او را با کمال بی وفای
 مدنیل ریختن سواد سوری با ابرام قرین بیاس ثابت
 بیکنه شک نیست که بی حکم تعجب انوس است
 که امروزه این قسم سلوک شود و این مراتب را عمل
 بیستون که در کبرجیت سطلقه روز از منشت
 مالک تمام گرفتن بر سواد پس آن قسم از آنکه سلوک
 باین قسم میباشد که با قهر و در این قسم سلوک شود مسلط
 است که سلوک بازندگان آنها فوق تصور است که
 کمان نموده که در مال و بخش انگلستان درین سواد
 نیته اگر چه در سواد آنها هرگز تصور قوه تعاضل نموده
 ولی این امر باعث خفت تمام دوران تمدن بل
 دشی عالم شود از دولت انگلیس و این نغمه بیجیت

دولت انگلیس البته نقصانی دارد که در دوش
 مکتوب پس اگر امانی انگلستان از روی شایسته
 هم در حق این امر بر نیاید بجهت دفع نقایس
 لا بد از نومی تحقیقات نماید که آینه و سواد انگلیس
 و شایسته شود و در برین رعایای دولت انگلیس
 در بسیاری از موارد میدان بدست خواهد آمد
 در بنام کردن دولت دولت انگلیس سواد است
 که بعضی از اوردان انگلستان جان ظاهر شود که در
 تریس اینها نیست سواد و در مین و سواد
 خصوصاً تحقیق این سواد آخره امر سواد انگلیس
 قصور دارد که در سواد کمال بر سواد نیست
 تا در کین این اعمال قویه سواد خورش سواد
 فتنه قلبی بر او خاندان تمدن و تهنیدیک
 خواهد کرد و دولت انگلیس با نظر تمدن و تهنید
 سواد نگریست در اقم نیز خواه دولت انگلیس

انگلیس

اینها از اخبارات انگلیس است که در
 در سواد سواد و سواد و سواد
 هزاره است و سواد و سواد و سواد
 شده از این سواد و سواد و سواد
 و هزاره و سواد از انگلستان بوده عدا که آن
 نیست سواد و سواد و سواد و سواد
 رویه حساب آید
 مال التجاره فرانسه که در سواد و سواد
 شده یک که در سواد و سواد و سواد
 دسی رویه بوده است
 است الان صرف سواد و سواد و سواد
 رویه و سواد این رویه سواد که دولت انگلیس
 نسبت به دول سواد زیاده محتاج است و سواد
 خط حقوق خود را بر نماید و در حقوق تجارت
 در سواد دول فرنگ مال حقوق سواد شده است
 چنانچه دول نظام در خط حقوق سیاسی خود اقدامات
 بجا میسرند در خط حقوق تجارتی خویش سواد
 دار نه پس بر سواد بر مال لازم است تا اینکه
 مکتوب شود حقوق دل سواد را در خود کم کنیم و این

نمونه مکتوب بر ترویج صنایع ملک ترویج صنایع
 زمان موقوف است به تعلیم عمومی ملت و تعلیم عمومی
 ملت وقتی حاصل میشود که با افتتاح مدارس عمومی
 و تعلیم جاری را جاری دارد و با اینها سواد وقت بگذرد
 که مکتوب صنایع فارس در هر یک از اینها در بابی
 معارف و افتتاح مدارس هند عامی در حق نموده باید
 دولت است به اشق بملت به دولت را و ادارات
 مدارس و مکتوب عمومی باید که جناب ریاضی این
 از هم ضروری توبه فاس نموده دوران ماحضت
 و محبت و سعادت بنا در ادارات با افتتاح مدارس
 وقت تنگ و نازل تصور در دست درنگ نمیتوان کرد
 از وقتی باید رسید که بخوابیم و خوابیم در سواد
 فوق کرد و این معصوم که عبارات اینها سواد

استقط

معاظت آما با اینکه متعلق است مکتوب سواد
 اگر سواد این فادای پیش آید میان دو لیتین فرانسه
 و انگلیس خواهد بود آنچه که اخبارات سواد فرانس
 سواد ظاهر میسازد و مطابق عهد نامه که در دوم
 مارچ ماه ۱۸۷۵ میلادی باره استقط و سواد
 دولتین انگلیس و فرانسه است و دولت انگلیس کرده است
 حتی از حیوانات عهد نامه را بر حسب اخبارات فرانسه
 سواد است استقط و سواد با خود مختار و آزاد
 باشد - چون علیا حضرت ملکه سواد دولت تمدن انگلستان
 و آنکه در هیئت امراء فرانس خود مختاری و آزادی
 استقط و سواد لازم دانسته اند لازم است که یک
 و آزادی این دو مرکز سواد نموده اما استقط و سواد
 بیشتر بر این بعضی اخبارات انگلیس میکنند سخن
 این عهد نامه است که دولت فرانسه را بی جا کرد
 و اینها دولت انگلیس بر سواد استقط و سواد
 اقتضای تا چه در غلظت های دولت انگلیس و اینها
 آری این استقط و سواد است این امر است
 که از روی این عهد نامه دولت انگلیس استقط
 در کینه سواد بدول خارجه
 بعضی اخبارات انگلیس میکنند که این در نهایت است
 عهد نامه در فرانسه است که سواد با کون باقی باشد

و از روی آن در شش کار و الی شود - محمد ناس
 که میانه دول عظام میشود اگر بر ویام در میان آن خلافت
 نخواهد شد و از درجه اعتبار ساقط میشود و در آن
 شامل اند بعد از آن مجبور می باشند که بدان عهد مسلم
 نمایند در مساللات و بیست و هفت از سنه ۸۶۳ تا کنون تقریباً
 بسیار روی داده است دولت خود را باقی می ماند
 باشد علی مستطاب الله علیه از دولت انگلیس حبس
 گرفته و تا کنون نیز میگردانند و در این روز بیست و هفت
 از آن گفت معذرت است که نامه ای که از آن
 عهد مرفوع شد و آن سبب شکست آن پیمان است
 (جبل المیتین)

این عنوان جواب آن شناسی میباشد که چهار ورق
 کاغذات عهد نامت دول فرنگ را از برای تقدیمی
 در داخل ملک منگند و قلعه آرسن تصور میگردانند
 بیچاره شقی منور باین خاللات خام شده سر راه
 باین هرگت بر نیده و در هر گان منرب در ملک
 و منافع ملک او عهد کرده بلکه تقسیم نمایند و حتی
 سر از خانیان بر ما که در آن کاغذات پوسیده را گرفته
 محاسبه کرده اند میگویند آن سبب شکست آن پیمان
 ریخت چه حق همیشه معلوم است بوده است بیچاره
 مستطاب و ام فریب فراموش و آذای غمزه می
 که داشت بر او داد و او پیمان اول سخت گریخته
 دام ریخته میدهد (نه بر مرده بر زنده باید گریست)
 ای برادران ایرانی حساب بگان خود را به میدهد
 گریه زمان تقصیری زیاده برین نیست خواب زیاد
 مورث بلاکت است

(بشارت)

بزرگسیدک اطلاع مایل نموده ایم جناب بلا کتاب
 اجل آقا میرزا رضا خان ارفع الدوله در زیر مختار
 علیه ایران در پرتو سبک از روی مکتوبت سعادت
 شناسی دولت خویشی و پیروی بقاصد متبوع منعم
 خود علیحضرت امیر شاهنشاه مسافر پرورد خدای
 شاه غلام الملک و سلطانه در مسددا و اعدا و شایع
 در رسد ضعیفی بر آید از خود دو دست سعادت شروع
 فرموده اعلان نامه نیز به جهت جمع نمودن و جدا ماند

در باره این شخص و سعادت فارسی در روسی شده
 امید داریم که بر روی این ایدم هم فروری انجام بیزد
 ملک دولت از آن فایده بگیرد اگر برادران ملک
 و غیره همان وطن هر یک بقدر معذور خود درین راه
 سعادت منبلی تمی فرمایند که در سهیل ترین اصول
 سعادت ملک تکمیل یافته رفیع فراموشات مکنی خواهی
 درین موضوع ما انشاء الله و آینه بهت خوابیم
 اینها تا کنون درین راه جمع شده بر برین است
 جناب مستطاب اللطیف مستشار سعادت پناه سعادت

جناب میرزا اسماعیل دوم بیت سعادت
 جناب آقا میرزا علی اکبر خان با هم بیت سعادت
 جناب آقا میرزا آقا خان بی بی هم بیت سعادت
 در خصوص کتبی خدمت آقای نیز الملک وزیر علوم
 نیز فرستاده شده امید داریم از جهت بلند بانی
 وطن و سر پرستی شاهنشاه مسافر پرورد و در خدمت
 سعادت و سایر رجال دولت و سی و کوشش گوی
 نیز الملک وزیر علوم این در رسد که بانی سعادت
 گفت الملت ایرانه را عالم باقیات جات ملک کند
 به دست آوردن احتیاج با جزایر باقی باقی باقی باقی
 که تمام انبای وطن محترم و خیال عالی شکر کند آقا
 ارفع الدوله باشد اداره جبل التین نیز شکر گزار
 آن وجود مبارکست خداوند امثال ایشان را در ملک
 دولت زیاد فرماید اگر چه آنچه تمام سفاری محترم برین
 که در فارجه منعم اند تا سی باقی ارفع الدوله برین
 سعادت خدمت ملک و ملت شوند و در صد رفیع یک
 امتیاج وطن بر آید در زمانه قلیل با کمال سهولت شکر
 دفع نواقص خویش را به نامم

چرخ هر نقطه در باره در رسد سعادت معرفت
 کواکبش آقای ارفع الدوله برسته اعانتی فرماید
 اطلاع و به با کمال امان نام نایش درج جبل التین
 (چین و لکرگان مغرب)
 از در اخبار طرس لندن میفرسند که چین در محل تقسیم
 بیچاره از برای فاخته چین را از در اخبار طرس فرماید
 است ولی جبل التین یک نیم سال قبل را یافته جان
 سیستون و هم کلمات آنها و غفلت خواب در چین

این پیشگویی را نموده بود ما را دل برین میسر شد
 از آن داریم که هر قدر در آسیات و آسیات باقی میماند
 و برادران آسیای ما را و پیمان در قید عهدت کشند
 از قوت کاسته میشود و زیاده ضعف بر اساسی میگردد
 رفیق منبند به قدر از قوه کاسته لازم بیان نیست
 دولت و شکست ایتالیا که تا بقاومت با دولت پیش
 که از آن گنگامی پیش بود نیارود دولت پیش که
 سخت محکمی او بود از ضعف خود او را دولت قوی است
 از اقصای مغرب کینال برودن همه خود را که گفته قریب
 چهره منگند و خوشتر را باقصای شرق رسانید
 اظهار حقوق خود را از دولت چین میباید و اقیانوس
 راه آهن و کار کردن در مسعودان یکصد و بزرگ را
 نموده است یعنی با هم جاره مثل سایر برادران خود قبضه
 یک صوبه را خواستار است که همین برودن سلطان
 شکار با کفایت و برادری را که به سبب ایتالیا و حوی
 پیش کرده اخبار طرس لندن شهادت خود را قبل از
 طلبیدن پیش نموده ثابت نماید که دولت ایتالیا
 که پیش کرد بجا و سزااست و لابد دولت چین باید
 تسلیم نماید و قبول کند لطف درین است که یکدیگر به
 چین در نیست که قبول کند حقیقت همیشه با راست
 زمانه دیدم در کتاب قصه که کم از یکصد و سی سال تاریخ
 او بود در زمان شکلیه صلح شد مثنی از او پیمان
 بسته و خود در آن عالم ناز و نیاز میگردد ای جان چین
 سرباز از من آنچه را که میخواستی خوری مشوقه او بخشید
 میگردد ای کجاست مگر تو همان چینی که آنچه کن متنا
 کم تو را میترساند کجا ایند آن عاشق و مشوقه غلط
 نمایند آن غافلی که ضرب الش در بزرگی و جلالت
 بود از زره طغون از او پایای بر فسق او نهاد و بر
 خوش باطل مشوقه از افسه و با الواه بجا با اینه
 هم و آنها که به جلالت دولت را چون که در پیش
 زمان دولت بوده و همیشه کی از صوبت سعادت
 چین محبوب بود از بزرگت علم معانی بزرگ
 که تا بزرگی دولت پر گلیس در مسددا و اعدا
 حقوقی را که به جهت دول فرنگ سفر کرده رسد
 باره زانوی برقرار میدارد

مقاله محمد قابل توجه ایران از منظره شازدهم

ترک زجان و بان تن مجهر نیست

لیک چشم دشمنان نیست
برو نشسته خفته و خسته و خندان
نماند که یکاکی و آه و جفا بانی
و کس دروان سست باین کجا
معنی را با دنیا سخن بری جزا
است من عرف غصه عاف بره روشن باو
هر کس روان خویش را که شهریار
و بد میر و تصرف اطاعت جان
و دانست که هیچ جزئی از اجنه
که جان داده با او آگاه بر او نیست
جان را با ملک بدن که صدقه فاش
فهیضه و بیستاسد و میداند که این
کبیر گویند جانی داد و میکانه
است جهان با اطاعت میر و تصرف
و با همه نیست و از همه دور است
و اصل در ملک جهان است نه خارج از آن
باشد و بر همه چیز آگاه و عدت
ذرات جز با اطاعت سلطان جان
تمشیل متوان داد ز جهان را
و نه یزدان را عین جهان حق
جلد بن اصناف لاکه قوامی آن
مناوید همنا توحید همین است
شناخت شعرا ملک تن خود را
اوست این شناخت شناخت پروردگار
که جهان جهانیان همه پروردگار
تدبیر و تصرف شاه وین پناه ایران
و داد گستره می مهربانی با اهل
اتفاق و اتحاد و عاود بر ایام
و اهل قلم و سیف را که همه
ملک شاه جم جم پناه خواهد
و آسایش این دانش را در سایه
شاخانی و دعا گوئی او شان

فهم باید کرد و اطاعت او شان
و نشتن او شان معنی لفظ
کامل لفظی باشد عربی که
ظل الله یعنی سایه خدا
سایه بجهت محاسبه باشد
سزاوار ذات الهی باشد
بعضات الهی در عدل و رحمت
و توجه به تربیت رعایا
و اگر امیر بر سر کاران
که ذات مقدس احدیت است
اید و صورتی که در نشاندن
چنان دانند و چنین باشند
اطیع الله الطیع الرسول اول
بظاہر تمیز نه باطن تاویل
کار عدل شمار نامه دور
بنی اسرائیل را بخدمت
و دیده باشند که خود پیش
بر او شان معترف فرمایند
مال و مجال مخالفت دین
در سوره بقره الم تر ان الله
اذ قالوا للنبي لهم اجبت
مبذیل الله و امتیاج ملک
و وقت با دشا هی که خداوند
بر او شان معترف و نماینده
فهم که با مختلف رزده با وجود
اطاعت پروردگار با پیشوایان
متفاد او پروردگار دانند
ایران بدانش در جده بودن
ایران زمین ماکلی از بی
ایران و دانشندی دم آن
و اگر تواند در هر تاریخ
روی زمین کیومرزا است
است بنای جهانیان و جمع
که خوشی و پرانگه بودند
و تقسیم آنها تر قریب قد و

و آلات جنگ پدید آمدن
شان پس از او است و ایران
نزدک سیاست و نوس همه
رسیده است اگر کسی را از
جستید را که اکنون در شیراز
پدید است صنادید محمد را
که باو ارتش ملک هم که
و رحمت محمد در سینه آن
جسد از شمار می گنجد که
آن سرزمین را خوشتر از آن
از تربیت آب برای ایران
که اسکنه بر سر استیلا
نخواستند چه توانائی از
روان سازیم اسطر نوشت
حوانان بنام اسکنه کتب
که در عهدت اسطر نوشت
زجره رفت آدر زمان مارون
و موم محمد بنام یونان
که بران نامانک را که شلع
و در از خاک پاک کیان
و آذر با بچیان و خراسان
سیرت و خوشی دانند و او
فکته ان شهباز خواننده آری
ستم ادانی واقع شده است
بیر بوده با وجود این از
یاد آند از رسالت شما که
دوم یونان و دانشت از
و طینان افغان و ستیزه قافیه
بیمیان آینه که سرنگت از
پر سکند و دانشندان ایران
و شاه دل آگاه بیک دل و یک
و سما از امانت پدید کشید
فروع در چهار باب از دیار
فاطری و لشکر باشند میداست
که میم بر سر زمین وقت
و خالی و دعا گوئی او شان

وقته شب که در زمان شبیه هنوز به یاد او است
 با دولت پدید تو به شاه دل آگاه ایزد از بهر صفای کمال
 رعایا و برایای ایران از یک حکایت باز غم در تاریخ
 سلطه راست و در افواه مشهور کی کی از نشان ایران
 نیز شبان بر باقم برش بر رفت کوشش چهار جانب
 فسرده داشت که بماند رعایا در پیش و سرور اندوید
 اندوه و اگر نغمه ساز و آواز سلطنتی می شنیدند بیارند
 و غمگین میگشت آن شب از غمت و بیگفت میمانم
 از یاد می بر رعایا فرزند که استیسا پیش ساز که ما تا
 انهای یکدیگر میشد این زمین با پادشاه جم ماه بدی می
 است که پیشوایان با خیزش که حج السدی فی الامین نمی
 ظاهر من با الملک زمان خود باشند و دانند که حضرت
 علیه آلاف التحية والثناء و در راه مقدم بر امون
 زفته و هرگاه تا امون و تقدیم اطراف میگردید
 رعایایان سلطان است که رعایا از او ترسان باشند
 و مقدم من بر تو در راه از هر که در راه یکا به
 خوب گفتند که کلام الملک در راه اوین و دولت گفت
 کلام الناس علی دین لو کم غم این موقوف به حقیقت
 دین است غم حقیقت این است که دین را فرمودی با
 اعتقاد می نیکندی و آنهم به میده و بران نه طولی و ای
 زانی و اول اصول دین که حید است منی احمقارنگ
 بزوان دوم اعتقاد با دوستی و عدل بزوان و آن نشان
 شد از جان واحد در دین و یکسانی جان با جمیع اجزاء
 بدین و هر دو را دانستیم از شخص واحد پادشاه و دوستی
 رحمت با زیربستان و مستی رعایا از درنده گان نیست
 او شان از کثره و مان چنانچه جان مراد است کند سلفا
 بدین را از دروان شاه حواس تل را با فرایه از زله
 زمان یا عبادات است یا عبادات است یا عبادات است یا
 یا تعزیرات است یا عبادات و غیر از عبادات هر دو در دین
 و سیاست من و تو پس اصل از هر متضیع بر نیست
 سلطان است ملامد و عبادات را عبادات است
 که از آن رسالت ازین و عبادات تلک گانه و اینها در
 تبه بیات است آنهم تربیت سلطان را لازم دارد
 که الناس علی دین لو کم غم اما بعد و جماعات مصلوات
 و فرجه هرگز و با جمیع شاه و رعیت اتفاق دین و رعیت

و داد و استاد میان رعایا و حفظ بنده اسلام
 (باب دارم)
 (شیراز)
 وقت صبح نماز جمل المیتن می نویسد شب در است
 و اعمال زیاده از ضرر است می عیده اظفر حسین است
 که این کسب است لاطالک هم خدمت دین است ملی امر
 نماز بود باری او افراده رجب او اول شبان
 گرفتار زلزله می متواتره بود کم کجند کت بزنگه
 یکی دو دفعه است بود ولی طول مدت در وقت بیشتر بود
 و الاغرابی کلین میرساند نوعی مردم را اضطراب گرفتار بود
 که اکابر در فضای حیاتها چار نشین اما از آن وقت
 و زمین بودند در هر کوی و برزن مسافر تیر جوی
 که از دره دروزن کبری و زاری شمول بودند که
 گشت
 از تیر شبان با بیخوف چند دفعه بارانهای خوبه
 شمر و اطراف نزول که با بر ف کامل بریده و چپک
 ریختن و صرف تابستان از این است خیالات آتوه
 شده است
 اگر ان جناب نظام الملک چه نفر استاد عالی با
 آورده در باغچه معروف کجا می محمد می کشیدی چند
 دستگاه که از دره چمن نزار افعال غیر و غم کوه کرد
 برده زیر دست آنگاه که آورده اند بسیار می می
 اسدالد شهور بدلال این کپانی بر راه افتاده میوس
 مخارج پیش کرده تا راهم میدهند چند نفر از چهار هم
 شیک اند چون آثار افتح و توثیق مردم ظاهر است
 امید داریم کم کم این مردم بیکدیگر تاسی کنند و کاریکه
 جمل و حالات خارج را قدری بگرد و متالی خارج
 پیشه نماند
 در چشم شهبان تلک افراغ لالالت حضرت منی که
 بست عبادت عالیات است اما کرده بودند رسید
 نهم اه حضرت یا است با بعد دوی از نو که نامی شخصی
 در شان از حضرت میگردد در باغ گلشن جناب نظام الملک
 نقل مکان در روز هفدهم صبحت در شمرکت نمود و آن
 از وضع این مسافرت برخی را عید و زمین و عبادت
 که این نفر نگر که کرمی با عیال ملک نیست چنانچه

و در نغمه فرزند ان و کتیشخ محمد عاده الاسلام بهبهان
 خوان بر راه بر شد و در نغمه شخمت کتیشخ نظر یک نغمه
 باقی هر چه بگذرد و هر که در آن و نگاه است از تیر شبان
 خواهد نمود صورت نما بر این است با بدیسته و خاشاک
 کجاست منتهی شود و بعد سلوم خرابه درین چند روز مسافر
 نیز باقیان مللار و سادات و ایمان و اشراف و فرزین
 و حال این خار رس فاقم سواجب کاری و احکام مملکت
 بدیده که جناب نظام الملک از آن فضای با هم کنند
 بیالنی نمر براید تحمل شود و مردم از حضرت الافران فرزند
 باشند اگر نه در نغمه شخیر از مللار و سادات و حال
 خوامین و تلنگ قد می تا به خواهند شد تا بعد شود
 آقای نظام الملک که جناب عالی درست از قدیم و بعد از
 صرفت جاریه نغمه نغمه ای فارشند با چهل تیر
 پیشکش نقد تلک از فرموده اند اما حضرت جناب نظام الملک
 از داراب که استان جنابان فتح الملک و عماره سلطان
 بیکدیگر در شمر طریق و معابر ولایت و حکومت داشته
 باشند که الحمد لله و بپسند زوزه و آنکه که اسباب احتمال
 انتظامات باشد حاصل نشده است که جمعی از رعایای
 نیز از زاناب الملک بر شکیستی داشتند بعد تصدیق
 حاکم که دره بود که بشیر ازین و عرض نظم نمایند
 در اصطوبات خیرتیه ایلت شنید چون حکومت شما
 با جناب عماره السلطان از اصطوبات با راب قیام
 که عرض حال خیر نیات مکرست چه استقبال خود نمایند
 البته جناب نظام الملک هم حسن ملوک که داره اند تا راک
 و ساکت فرموده منازل خودشان عودت میدهند و یک
 نایب الکسبه تیره دادن آن رات راست از سواد این
 مردم مطلق نمودن
 مکالمه سیاح ایرانی بشخص
 روز بیست و هشتم
 عنوان هفتم
 بندی - آقا صاحب در اخبارات رسمی کوه سیک
 اینگونه مسائل باعث تلک دولت است
 نوشته میشود که سلطان مطلق کرده و در مجلس
 خود رساند
 ایرانی - بجای پیغمبر باید تا کمون با ندم نویسیم

گذارد و بعضی کا مذابت یعنی در صندوق او چند وقت
 فشم سلطان شه
 هندی - خداوند عیون رحمت خود کند شاه شاه
 شهید را که خیلی رحمت بپور و رحمت دست
 بود و خداوند نیامد که سائز که در صندوق خالی آن
 از غیرش نه حال هم مکن است که المیضت شاهی
 مظهر منصور طریقه آقا و کرام واسه وفای ملام خدا
 احیا فرموده هر چلی که قابل جواب است ملاحظه فرموده خوا
 بر خود دارند و آنچه قابل جواب نیست درود دارند
 ایرانی - بنده ای که بسوا اصول این کار را عاری فریاند
 که خطبه به ست احدی زنده و از حک و اصل ملاحظه
 هندی - اگر از طرف المیضت شاهنشاهی حکم شود
 که پاکتی در طهران طبع نمایند و روی پاکت بنام المیضت
 شاهنشاهی زینت یابد و قیمت آن پاکت را شکر کف
 یکم و زیاده همین نمایند و اینکه پاکت تا در هر بلد
 قسریه در تمام پستخانه های ایران بفرستند و بیس
 هر پست خانه سیلالت بنام که هر کس این پاکت را
 ببیند و نام و نشان او را در دفتر پستخانه آنجا ثبت
 نماید آنوقت شخص فریاد طلب خود را عرضه کرده
 آن پاکت بگذارد و پست به به تاحل طهران بنام
 و وزیر پست نامه شود که اینکه پاکت تا از
 جاده سواد می در هر هفته یک روز بفرستند
 برساند تا اگر کسی مطلبی دارد که فکلی بر او واقع و
 ظلم او کرده و این اصول مکن است که رعایا از
 صدقات کلام و لطافت سرزاد و تو که همیشه و تسدیات
 بالا دستها خارج کرده و قلوب رعایا از سلطان
 نفرت خنجره داشتند که کلام ظلم کنند طبعاً رعایا
 از سلطان بگریخته و میزند و برنجیگی رعایا از هزار
 دشمن خار به مضرتر است و میگوید که رحمت بر بند
 سلطان وقت در صندوق او و ارامی آنهاست
 دیگر بخشش از سلطان نمی نماید اگر هم ظلمی را و شد
 سیدان که از حاکم و سر کرده است نه سلطان و حکمت
 زشتن نام فریاد پاکت ثبت آن نیست میگوید
 مندیار پاکت دیدن نامش را در صندوق او ثبت
 شد و در حقش نیست و دیگر بفرست بر روشن مین

که صورت فشم سلطان شود و دارد و اینگونه خط و
 عارضین همین خط مبارک نخواهد بود
 ایرانی - در حقیقت نه بیهر یکمانه فرموده هم
 متوق رعایا داد میشود و هم بره نفس پست افزون
 میگردد و مطالب غنچه حکام هم از پرده بردن
 میا و فتنه خداوند بشما نیز به که خیر ملت او
 نشان میدهد
 هندی - امروز زیاد و اسباب زحمت ششام
 اگر اجازت بدهید میروم و اگر خداوند جیاتیتنا
 کرد با بجهت میروم
 ایرانی - سیل و شتم یعنی از قواعد نظام هندی را
 از شاخه باشوم حال که مجال فرصت نداریم
 نمیدهم
 هندی - انشاء الله من بعد بقدریکه صلاح
 عرض خواهم کرد (بار بار صحبت با شما) (با فخر)
(اخلاق سلطانی از شماره ۸)
شماره ۱۱
 رد اگر مانس بار تهمه میگردد که المیضت سلطان
 خان فارسی من باب آنکه رعایا دشمن ترک را قابل
 معاف بظن شرفیان تحمل شود همان که میگردد
 در مای قدیم در افریقا گرفته بود اختیار فرمود
 چنانچه آن قوم را فدا و قبای خود را کالای پیدا
 کردند سلطان ترک آلات ادوات جنگ را
 از او پایان و ام گرفت و امانه نوشت که اگر
 ضرورتی پیش آید همان آلات ادوات را بخرج
 اعدای اروپایی خود بدهد و این آلات هم آلات
 بود و هم اسلحه معدنی بجهت صورت سلطان المیضت
 خان فارسی بجهت خود اسلحه فراهم کرد که دولت
 پر کوسا در حالت پستی و منزل خود فراهم کرده بود
 با این اسلحه و آلات المیضت سلطان اصلاح جنگ
 و فوج شرقی تجسارت و زراعت صنعت و حرفه
 راه آهمن که نشان تمام ترقیات و کفایت شعاع
 است میفکند تا تمام این مراتب را بطریق مساوی
 با سایرین ملاحظه حالت پر لیک و فخریه دولت
 که در از من سالها بعد از امکان می نمود و اگر فرمود

میگوید که این بیانات فوق که عالی از هر گونه غرض
 و بیرون از محسوس آن گوی است آن مرد با یک نگاه
 سوای ذمت و شکایات بلکه از دولت عثمانی بنود
 و نیست فرق در بای غفلت و شرمساری و جبریت خواهد
 تمام این واقعات صحیح و بسبب از شاهانه لغوی است
 علاوه بیانات متعدد دیگر که بسیاری از سیاحان و
 مسافرتی بنام در باره المیضت سلطان
 خان فارسی نوشته اند بر صدق این مقال دلیل حکم
 روشن و واضحست چنانچه در (کتم پردی) که در حق
 معاملات و صداقت بیانی معتبر ترین روزنامه
 اروپا بشمار است عنوانی را در خصوص در سنه ۱۸۹۹
 اشاعت داده و آن عنوان را از قول دستر الکتره
 تیرل که از جانب دولت آلمان در اسلامبول بنام
 بود و بیست سال کامل در خاک عثمانی با کمال
 و شان قیام داشت و در آلمان سیاست پرور
 از یک آلمان اروپا بشمار میرفت و در صداقت و
 بیانی گفته تالی داشت عنوان زیر را بیان نموده است
 سلطان عبد الحمید خان فارسی سپهرت و ترقی
 انالی اروپا و بار یافتن همیشه ملاحظه و قضا
 فسرده که از فرموده تمام انالی اروپا در دولت سلطان
 متفهم و متصرف به اصالت کجاست در بابی در وقت
 بزرگی سیاست و دانش ایشان و بر مراتب جمود بر مادی
 سلطان مژند این صفات مثل فراتاب شمس
 آسمان خلافت نمایان است و همیشه نمی نمایند تمام
 دانشمندان اروپا اتفاق دارند که اگر شخص عبرت آموز
 نبوی شود المیضت سلطان اروپا نیست خودری
 و خود مختاری که امروزه مخصوص شرقیان است در
 سلطان را از ایدالمرد که شسته روسین نیست ولی
 لیاقت قابلیت و استعداد فطری المیضت سلطان بر
 ایدالمرد روسی رجعات عدیه و تقوی دارند المیضت
 سلطان عبد الحمید خان فارسی مثل ایدالمرد روس
 اطاعت و اظهار تقوت شخصی خود را نمی نماید بلکه بلای
 فریبی و طرز معاشرت ملک و ملت الماعت و قضا
 خود را قاسم فرموده - اگر المیضت سلطان را از
 که پاکت را حقبت فرموده سعد و بل مجبور بوده است

دشمنان روسین تا از این خطه بیرون نماند

چرا ایشان ای قیاسی است و در آن کسین تمام بر یک
 بودند و درین باب بی سلطان فاضل را نمی گویم که تکلیف
 از سبب فریب عیاش این چه میمون آن که حضرت
 سلطان مالک خود با تمام دول معذب میگردید
 نمود و در تسلیم رعایا آنچه را درین چند سال قید کرده
 خان پیش از آن که در سبب سلطان ترک در آن روز
 کرده اند

و آنچه را صاحب بیانات موصوفه در باره امور است
 بر لیک و سیاست حضرت سلطان بگفته اند
 ذکر نیست چه در آن باب موافقت و تعلیه کشیشان
 نموده که بواسطه نادانی بسکواره دولت علیه
 بدف تر ملت ساخته و مسازند معذالک روی هم
 اگر حاصل بیانات آنها را خلاصه کنیم بر عباد افغان
 و محاسن صفات حضرت سلطان بی نظیر شکل و شکل
 حضرت سلطان عبدالحمید خان فاضل را بسیار نوشته اند
 و این را بواسطه آنست که حضرت سلطان در جمیع
 عارضات بساطین ساره مشیره دیده میشوند هر کس
 بخیرات حضرت سلطان شرف شود صبح روز جمعه در
 سرای بلور رفته لابد شرف یاب خواهد شد - در هر جمعه
 حضرت سلطان بجهت ادای فریضه جمعه در مسجد
 یا در مسجد دیگر میروند و فارسی عثمان یا شاد در کباب
 سلطان حاضر است - بیگانه نماز جمعه از میان
 مصروف شکر و اجتناب میفرماید - یوم جمعه در باره حق
 سلام میویست بجهت پروردار و ساکن و هر کس را
 لباس فاخر و اسب سار و شایسته اند اجازت حضور
 نماید تمام آن روز حاضرین سلام حق میبمان سلطان
 پیشینه دور و قیام سلطان برای ادای نماز میروند
 حضور سلام حق را باجای و صلیوات و بعضی اوقات
 سکریت هم تعارف میشود - در عید مولود حضرت حق
 و رحمت بدون استنساخ بیست و اندام حاضر شود
 و از ملاقات حدی اشکار میفرماید فخر است
 حاضرین سلام حق را ابراهیم بی وزیر بسیار پیش
 میکند از آنها هر کس مصروف سلطان پیش از جانب
 حضرت خلافت پناهی فرج پرسی میشود و در مجلس
 امانی اسلامبول فیلی تهیه البسه فاخره میبیند حق

با سوزن یکدی و سراسی عاریه درین روزها
 البسه فاخره دیده میشود - صرف قیمت یکسایه
 اسلامبول پیش از واسطی احتیاطی لباس است
 رسوائی قوم خود میشوند (خالی بنده فدا این است
 قیمت یکسایه اسلامبول واسطه کبر و تمیز بواسطه
 و توجه خود را درین روز انگشت نامی ملل دیگر
 ترقی این امر بیشتر از اینست که میان دولتی
 و مجلس برور که درت و ابراز اتفاق شده است
 سبب دیگر شوشه است) (باقی دارد)
(اعلان کپانی راه شوشه)
انزلی تا قزوین
 یوم جمعه که یک مناب اول شهر مبارک بستان بود
 اولین اعلان اداره راه شوشه انزلی که اعیان
 کپانی روسی داده بودند در روسی فارسی
 شد اعلان نام موصوفه بموجب اینست
(اعلان)
 بموجب فصل ششم امتیاز ناچهارم که حضرت
 اقدس شایسته کپانی حمید محل و نقل در این
 برای مسافرت راه از خلیج انزلی تا قزوین
 کپانی راه انزلی قزوین که با اجازه همایونی
 این راه اقدام و اهتمام و زید مقرب و خیر
 مقام را در خازنه ساخته و مشغول جمع آوری حقوق
 راه داری اکتیه عابرین دله و فارجه بالسویه
 بلا لحاظ دریافت خواهد نمود
 اولاً کالک چهار اسبه بارشین بار - در مسافت
 الی ده فرسنگ یک تومان و پانصد دینار -
 الی بیست فرسنگ یک تومان و چهار دینار -
 زیاده از بیست فرسنگ چهار تومان و دو هزار
 کالک سه اسبه بارشین بار - در مسافت الی
 فرسنگ مبلغ مقهور و پانصد دینار الی بیست
 فرسنگ یک تومان و چهار دینار زیاده از بیست
 فرسنگ سه تومان
 کالک دو اسبه بارشین بار - در مسافت الی
 فرسنگ مبلغ دوریال - الی بیست فرسنگ چهار
 دینار - زیاده از بیست فرسنگ یک تومان - جمعه

ای کالک نامی مذکور الی بار و ششین ضعف قیمت
 دریافت خواهد شد
 ثانیاً - گدونه خالی یا بار در مسافت الی ده فرسنگ
 مبلغ دوازده هزار دینار الی بیست فرسنگ دور
 - زیاده از بیست فرسنگ چنان
 ثالثاً - از باب دوریال سواری یا ماری از اسکبه
 فاخره شتر - در مسافت الی ده فرسنگ مبلغ یک هزار
 دو بیست و پنجاه دینار - الی بیست فرسنگ و هزار
 دینار - زیاده از بیست فرسنگ چهار هزار دینار -
 تبعه اولاً - از باب الهای مذکور الی ششین
 بی بار ضعف قیمت فوق دریافت خواهد شد - ثانیاً -
 عبور از روی همایونی و حرکت سپاه و سوارات
 ازین راه مجانیست درین سوار کپانی نباید حق
 السیر بگیرد و ضمانت است و اولی تا این خط ضعف
 سواران خواهد پرداخت
 رابعاً - از باب دوریال و حمل اخته و کواش
 بارشین بار - در مسافت الی ده فرسنگ مبلغ پانصد
 دینار - الی بیست فرسنگ یک هزار دینار - زیاده از
 بیست فرسنگ و هزار دو بیست و پنجاه دینار - جمعه
 از دو اب مذکور الی ششین اولی بار ضعف قیمت
 گرفته شود
 سوای نرخ فوق الذکر آمدی از اسکبه الی کپانی
 و سایرین راه حق مواخذ و هر یک که در اول انزلی
 توضیح آنکه - در هر جا یک راه قدم راه کپانی
 کپالی تسعه است ساری و مکاری که از آنجا
 میگذرد همانا اجازه عبور و هر یک که ساری
 در باب ایاب فرام نیاید - از روی کپانی شوشه
 یا اندحق السیر نماید و دیگر با سوزن و سایرین
 علیه ایران بسوزن الی حوجه حقوق را در این
 نخواهند گرفت شروع بر اخته و جمیع آوری حقوق
 داری از غزه شهر بستان المبارک لسته
 و حمل محموله و سواره همایون کپان ثبت
 و فرگاداری گردیده نموده ۳۴۱
(رشت)
 و فیاض نماز جیل المین میباید که یوم شنبه اولی

رضخان کیانی راه توسعه شروع بافاده راه داری
 نمود و کسب می نماید بسیار در دم اوقات که نیست از عمر
 کم در دم از دو عام نموده راه دار خانه یکی رهنم در کم
 جناب بیگانه و پیش آن را چنانچه باید باشد
 باشد که تا ویب نموده در دو بار راه دار خانه را
 شکست همان از همان راه دار خانه کیانی صرف نظر
 نموده است مظهر جواب کلک افاتیکه با فکله و غار بینه
 است بیگانه و در آن میان رئیس کیانی با کله در آن
 یکی از امالی شهر را از یاد آورده اخته اگر چه تاکنون زنده
 است ولی شکست بان بر دره - امامت افتاد
 و افتخار شریفی که شاکر رئیس سابق کیانی (سیر سلیمان)
 تصدیق اهلک آری محرم و محمد دولتی و تنگ
 بر سینه مقیم گمان سپید سواد آن سینه بر سینه
 (سواد سندیو بوستلمان)

بنا بر کیشینه سیم شجر جادی او غزوی بیل ۱۳۱۱
 در حضرت مستطاب شرف ارفع و شاه شاهزاده
 آراسکران کیون دامت شکرک یا حضور جناب
 پانظرافت نوسل دولت پیدای سید و کار سیر سلیمان
 رئیس راه شرف تشکیل مجلس از علماء ایمان و
 سرکار عمده الامراء و آقای اعلی کبر سیر سواد کیانی
 دولت ملیته ایران تجار حضور داشته حاضر فاه مال
 امالی گیمان سرکار سیر سلیمان در این مجلس محترم شکر
 که از امام زاده داشم الی رشت از پیر بازار تایت
 بر یک از امالی رشت که در اینجا هستند در ایاب
 زتاب بجا آمده در تمام این مسافت مذکور آن خود
 سوار چو در غایت و بار تا اینکه متعلق بجزو شان است
 با مال مکاری کیانی محل گشته از قبیل ابریشم و کاس
 و پند و برنج و جو و گندم و برنج و زغال و غلظت
 و سینه و مرکبات و غوره و انگور و گردو و در و بجا
 و سیر و خر بونه و همنه و انه و سیب بزه از کس
 و در دو دان از ترش چاروب و مرغ و تخم مرغ و کاس
 و گردو و بارانک و کادو و گردو و در و در و بجا
 جنگل که از ده شهر و در و در و مال غالی بر میگردد
 باید چیزی مذکور چنانچه صاحب مال برای خود جری
 منته غار و حضور تجارت سواد جری مذکور

در آنچه با تجار تار و شهر شود و از
 شهر خارج شود ازین تعهد خارج است کالک
 در آده معاف نباشند و در مقابل این بهرامی
 امالی گیمان متعهد شده اند که از پیر بازار الی امام
 زاده داشم سیر سلیمان که از خط معمول راه شرف
 میسازد هر قدر زمین بجهت اصلاح احوال راه
 پیر بازار الی امام زاده داشم لازم و از نه بجا
 عوض داده شود و چو بهای یک بجهت ساختن لئون
 یا تمبار (صومعه) و کسبی موقتی عملیات لازم دارند
 از جنک از درختهای بی حاصل مختار هستند بینه
 و پس از اتمام راه چوبهای از تمبار و ایدیه شود
 به صاحبانش به بجهت قراولخانه در هر جا که میخواهد
 ده نزع در ده نزع زمین بجا داده شود زمین را
 خریداری کنند هر کس بخواهد عاشرت کند لالی
 مجلس متعده هستند جواب بگویند مقصد از امالی
 رشت امالی گیمان است

- محل مهر ملک ارا محل مهر کار کرداری
- محل مهر حامی محمد حامی محل مهر شریفه ارا
- محل صفای بوستلمان رئیس راه نزل و قزوین
- و مهر اداره راه تصدیق اصحای بوستلمان
- کوشش گری محمد دولتی با خارج سعید
- اصحای کوشش روس

شب گذشته در دولت برای جناب قلم ملک
 مجلس بود تمام علمای اعلام حضور داشته جناب
 السلطان ادیب داشته آقا میرزا امیر السیاق
 میر در رسد ابتدا رشت که معلوم روسی است
 طلب فرمود که اصحای رئیس و محمد تنگ گری
 بجهت عام ترجمه نمایند پس از ترجمه استنسخ
 آقا میرزا امیر السیاق موصوف خلق موشی داده
 اظهار داشته که جماعت سند شما با اسطابق قانون
 بر وجه معتبر است که جای دست اندازی نیست
 و بدون هیچ سوال جواب خوش شما انانیت است
 ولی چون از زمانه قدیم قوت بر حق قلب داشته
 رئیس حالیه قوت دولت مبعوض خود را ملاحظه میکنند

بخواهد حقوق شما را با مال نماید و با خود روز
 تمام قلم خدایه خود را مالک قباب عالم و عالمیان
 داشته و هیچ اراده ای را بحق تصور نمی نمایند و چنان
 میگویند و آنچه میگویند حق مطلق تصور کرده چنان
 می بیند که هر کس از آن دشت و جهالت است
 و کس از آنکه نمی بینند ولی وقتیکه زمین را دست
 لایه سیری اندازند بجا رت تعریفان نسبت با یکدیگر
 همانا بر اسطر عوجیت و خلق بزرگان ما از ایشان است
 ایچندی قبل در شمار مبارک جعل المیتین ملاحظه نمود
 که در ناف اسلام و شهر دار العلم ایران با شهر خنده
 الحبار امارت و لند زنده و دوازده نفر اسامیان
 در کربلا و چو مختص این روایت مراتب لغت است
 و در عوجیت رعایای ایران و اسباب بزرگی فاریان
 میگردد و در خدایه خود که هیچ نقطه و هیچ هیچ
 حق بر اسلامیان گذارند بلکه مصمم اند که نام اسلام
 اسلامیان را از زمین براندازند چنانچه هر کس اخبار خود
 فایزات اسطوره را ملاحظه نموده در صحنه حق اینگونه
 نال زار و کربان است و در تعاقب که اکنون دارد و باقی
 نمایند لا بد از حال دولت هم باشما همراهی خواهد
 و نخواهند گذارد حقوق شما ماضی اند و در حق قابل
 برست با جاد و باطل خود عقب نخواهد کرد و اگر حکایت
 بنی مشعل یعنی خواهرش سینه درین سینه شرف
 بیچاره مراد خط و غضب واقع شده و در پیستری

بخت نخواهد
 نقتد اینک باعث افتخارش کلی در رشت شده
 شده و از خودش اصلاح نماید چندین نمونه خواهد
 در سیر بوستلمان ابطوان خدمت مجال دولت
 علیه فرستاده شده است از طرف من منتظر جوابات اند
 (قابل توجه کور نمیشد)
 و در هفت کتاب هدایت عام برای آیت علیان
 که در نه چهارده و یکده شود العسل برای رهنمون آن
 عهد و امان و کسان دیگر که بکسب امر آید
 حایان عا تو سیرانه با اداره رینه و سنی چایک
 نامه جماع دستور العمل مورین الحق کور نیست مالیه
 خدمت بزرگی در حق جماع نموده که هدایت نام و در

ماورین را بطبع رسانیده و نهایت سعادت است الی
 اتنیالی را که گزشت دارد و بخواهد آمد چه که مستحب
 این سال از دوشانه فارسی اگر چه پیشتر که گزشت است
 نسبت آن تمام فارسی و انان هم از او بهره گیرند و امروزه
 مردم مسلمان هند را فارسی بان طلی اورست فارسی
 است پس تا که فارسی شده باشد این زبان عزیزه است
 چه با وجودی که من چندین سال است در هندم و چشم از
 فارسی بندان واقفم و کتاب را در دوایم خوب پیغم
 کوشش کردم که درین رساله چیزی لغت ننویسم
 مشکلی بنام و گران بطریق اول لغت نخواهند شد
 و زحمت گزینست عالیله در و بر بار زحمت است
 کتاب یا زوده آید است بر سر کتابه و رجوع بکتاب
 نایه نادرست است کرده
 ولی سبب آنکه گزشت برنده بود خواهش دست
 هم هست که این کتابها را جمع نموده مجدداً ترتیب
 بسیار ت فارسی کی از این زبان بطبع رساند تا نام و
 خاص از او فایده بگیرد ازین کتاب تمام بهره
 ز خاص گزشت صحافی که برین کتاب نموده گویا
 در آب ریخته است
(بند پنجم)
 بخت گذشته وقایع عظیم التبت از بند رسیده
 زشته بود که جناب ریاضی بجهت آبی گیری چهارم
 دولت کرده آمد که با ما امور بر کوی شیخ مولانای
 است چون بدستش بنده ما از کارش آن شخص
 نوم تاریخ که بوم شنیده باشد از شهر نگر آفا
 گزشت دولت جناب ریاضی با دو هزار و پانصد
 سحر با کاتبان کافیه و قورخانه کافیه بجهت
 سحر کوه کمانی از شهر سبانه حرکت کرده
 است علیه سناکت برده بجا حفظ این
 گزشت و سناکت او را حفظ کنده مال کرده
 آموخت برادی رعایا و اعمال و باعث خرابی ملک
 است و از کارهای است و مکن نیست کم حقوق
 دولت علیه این بند و سرحد معتبره ای کرده و
 امر بر کوی او منسوخ نموده
 اخبارات مجلسی درین باره این روزها در موازات

از آنکه میگویند که گزشت نیز به توضیح نموده
 زیاد است آورده البته معطله کامل با تون
 خواهد کرد و علاوه برین نیز سلفات بسیار
 کسب ارزیدن خبر کوی و مفصله جویع از
 الحی این مراتب کا فادال است باریج کت
 سیاست بوزر هم بران سنی حضرت صدراعظم
 دله تاکنون که درین مورد ساکت بوده و
 ضمن دو دو گزشت این وقت سناکت بر کوی
 شیخ مولانای و بیانات سنی فائین دولت را
 کسب با سنی شسته و تارک سید مذکور
 مایل خواهد که در دانشاء الله بعد از
 خیالات سنی فائین و برنی از کار و اینها
 باطله و یک درین باب با لجا و بهار و بدل کرده
 مشروطه و مفصله خواهم شکست آرجال دولت
 ازین سبب لغت است که فائین ملک لغت را
 سبک ازین مجال حصول سنی اخبارات
(افغانستان)
 قریب بود در اخبارات عالم سبب حوادث
 ملاحظه شود اخبارات روسی منوش نمودن
 افغانان متواتر است با جیل نموده و عالم
 و الحی اگر بر جبال با سیاست از کاران
 سناکت گزشت در رودمان توسط افغانان
 انجلی خلی سناکت یکدیگر میگردد و
 افغانستان باروس معاً به منی نموده
 ایر سخت ملیل است بر بنفانای
 امن میدهند جس میشین گویا یکتند و
 آینه افغانستان سبک از ایرکی ملک
 با سناکت فغان کویانه روس است
 دیگر سناکت کوییک ایر که الله
 افغانستان با سناکت سبک میکند
 درین ضمنی دار و مستو که وال بر عدم
 اشاعت میباید چون بحث در آن
 ما هم مثل دیگران ثابت میکند
 نمودم و آنچه سناکت خودمان است
 اخبارات سبک سیم اولاً آنکه تا
 زده هم جزوری و

مفسرین ایر در کمال سناکت فراخ و
 و او ایستادگی و خدای نامور است
 اما سناکت ایر را و بهای عهد
 باطل مایل ایک تمسار از ده سال است
 انگلیس الزام اینکه اتهامات را
 در سناکت میدهند با اوقات
 ایر با انگلستان ثابت کرده
 سناکت است اما سناکت روس
 قراولان ایچکی و سناکت نهادن
 در و سناکت است بیرون از
 اختیارات ملک خود را دارد
 گفتگوی باروس نبود که
 عمل بر سناکت ایر را و بهای
 با سناکت و دیانت میتوان گفت
 مثل ایر افغانستان پیدا کرده
 استقامت را و در وقتیکه دم از
 زده مجال احدی نیست که
 والا حضرت ایر طبعاً پای بند
 و سناکت حرف همانست که
 به لار و ذوق زد که آوقتی
 من هم با او هم مردمان
 دوستی و بهای ایر را و دولت
 دولت انگلیس را خیالات در
 شود و سناکت گفت که ایر هم
 و تا زمانیکه دولت انگلیس
 هم انگلیس باید والست
 آنکه تمام اخبارات انگلیسی
 از امداد آید ایر سبک میدان
 رپورت کرده ولی سناکت ایر تمام
 است آن خود را از افغانی
 نیز معلوم شود که قهار و
 دولت انگلیس و سناکت ایر
 باقی اخبارات و بهایات
 ایستین گوی در باره افغانستان
 و بهای سناکت که در افغانستان

ایریش اید و من فالس هم هست نماید چرا که اگر
افغانستان در بسیاری از امور به برکت ایری ایر تر که
دل بسوزد تهنیب و شایستگی چنانچه شایان است
در افغانستان جویت چیده اند که بعد از آنکه در آن
بسیار تقاب رئیس جمهور می نماید و بجا شود و
اگر در سوادیان خود را بجهت بخرن تمام عمل خود
گردد و افغانستان هم قشاشی پیش آید بیست
بمختصات دولت انگلیس بود و بیست شایع
ولی عهد افغانستان سردار مصیب الدین پخت
خواهد نشاند و لو که بجز یک کشتی بسیار بزرگی
دولت انگلیس از روی سیاست میل ندارد که با
دست مبادیک ایار شود و اگر غیر از سردار مصیب
خان پای بسته امارت افغانستان که از دلاوری
بهم اسحاق خان شکر بیابان افغانستان خواهد فرستاد
با تصور است انگلیس به همه احوال طرف دیگر
افغانستان میانه روس و انگلیس تقسیم شده و با
روس مبادی خواهد شد و دولت انگلیس تا جالی
دو بدین امر ضامین به خیال دولت انگلیس
در سردار مصیب الدین خان زیاد بر ایریه اگر
بسیار می خواهد نمود و اما حکومت علی امیر
انتخاب شده آزادی قوت خود است بهترین
این دو امر است اگر دولت انگلیس نخواهد که از
بجای و یا از قوت او بجا بسلطنت تسلیم
باز آزادی و قوت امیر زیاد کند عمالی است که
دستی دولت انگلیس را گوید و مسلک را امیر خاندان
یکی اگر از جانب او دیگری در لندن معتقد
دوم دولت انگلیس خود خاری و آزادی افغانستان
بسیار به چشم کند و طایفه این دو امر از
انقرض است اگر چنین شود دولت انگلیس
پشتوان قوی محمدی دستیار است موضع
بر گوید شیدی های روس از همه خواهد
ایده ما را بگذرید یک ملت بزرگ که در
تصفیه این مراتب قاتی امیر لار در کرن
امور است قوی الوقوع است و بعضی که قات
بنام سید افغانستان در زن زمین خواهد شد

تمام قشاشات که خدی شده و چون که خود پیش
قدی مدس باقی نخواهد ماند
از بعضی وقایع بخارج ملین میسر که یک
و یک زن از ایرایان که قد طامون شده اند
ایشان را شافایت نماید
اقصاد الکیم برادر که حاجی محمد باقری
سال هم این انوشی بسته شده بود چند روز
طامون شد و شب و شبانه اشغال این جهان
فانی را و داع فرمود در حمت ایرایان
فوق رکت خویش نماید
حداوند توفیق چه به ما مورین مذکره
از تملین بنادر فارس که درین هنگام
مردم بیکار و فقیر کوشش را من و دیگر
دینی چهار داده روانه می کنند
بخت مع میثانند از ازده و رسول شرم
وز حقوق نمک دولت ادا
وقایع بخارج ملین میسر که یک
جسد و ابواب جمعی مکتوب عباس بود
تیرل شاهزاده فرمان شاه و آقای نظام
شده است جناب میر سخنان کلان
بود تا یکی لقب بیکر یکی یاف
شده است
حاجی محمد حسین امین چهار بیست
رفت پس از علاج و دت خواهد نمود
از بیم رشتنا با طیف عباسی
نسخ اجناس نرنگ کر ای
چهار ستره تباری که حاجی
دارد و نیم ساعت پیش وقت
از عباسی حرکت نمود و حاج
از حاج فرسخ غیرت کرد
وقایع بخارج ملین میسر که یک
از بیست شهریکه بر چهار
بند مسره سید و یکس
عقبات یات رسیده

فهرست مطبوعات مطهر و اسرار
استطاعت را با دو کمن عمر
اقامت واقف این مطبع
سینه آد کون کلید مطبع
علاهی ام بیخ
۱۱) انفسه علی ایمن
الرحی الدین بن السنی
با کافه و لای سکه
۲) کتلا عمل فی سنن
سیطی که جمود اگر
بر عایت شمار
چسبند سکه
عید آبادی
۳) عمل الیوم
در شکر شیار
۴) انجیره
تقریباً
شیت
دو نیم
۵) مذکره
مفسر
۶) شفاء
زیارت
یکه آبادی
۷) اقراغ
۸) انفسه
کیوه
۹) الیوم
نویس
بیطبقت
کن با
الطیاری
از ای
مبع